

Petty Crimes: From Conceptual Ambiguity to Policy Impasse with a Focus on the Criminal Justice System of England

1. Mohammad Saeed Ghanbari Kermanshahi: PhD Student of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
2. Fatemeh Ahadi*: Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran. Email: fatemeh.ahadi1394@gmail.com (Corresponding Author)
3. Babak Pour Ghahramani: Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

ABSTRACT

In the substantive and procedural laws of Iran, no definition of petty crimes or a classification delineating the boundary between petty and major crimes has been provided. This is due to the absence of a coherent and structured classification system that logically reflects the severity of crimes and punishments within the Iranian criminal code. Currently, because of the transformation in the nature of crimes and punishments—stemming from Islamic jurisprudential principles into four categories: Hudud, Qisas, Diyat, and Ta'zirat—and given the distinct functions of each of these sanctions and the impossibility of assessing or comparing them to one another, offering a definition for petty crimes proves to be a highly complex and challenging task. This complexity is exacerbated by the dual approach and contradictory policies of the legislator in both substantive and procedural laws, reflecting a form of legislative deadlock. This stands in contrast to the criminal justice system of England, where a logical approach to the division of courts and the classification of crimes from both procedural and substantive perspectives has not only clarified the scope of petty and major crimes but also established a coherent and differentiated practical procedure in the implementation of criminal policy. This approach offers a structured outlook on the substantive and procedural overlap within that system. In any case, considering the outlined characteristics and criteria of petty crimes, along with the content of previous laws and the recent legislative orientation of the Iranian legislator as reflected in the newly enacted Law of Dispute Resolution Councils dated September 13, 2023, and the provided definition of this category of crimes, it may be concluded that seventh- and eighth-degree ta'zir crimes within Iran's criminal justice system fall under the category of petty crimes and fit within the definitional framework of this class of offenses.

Keywords: *Petty crimes, non-indictable offenses, summary offenses, peace courts.*

How to cite: Ghanbari Kermanshahi, M. S., Ahadi, F., & Pour Ghahramani, B. (2025). Petty Crimes: From Conceptual Ambiguity to Policy Impasse with a Focus on the Criminal Justice System of England. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 275-291.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 06 December 2024
Revise Date: 29 January 2025
Accept Date: 17 February 2025
Publish Date: 20 October 2025



جرایم خرد: از ابهام در قلمرو مفهومی تا استیصال در سیاست کیفری با نگاهی به نظام کیفری انگلستان

۱. محمدسعید قنبری کرمانشاهی: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
۲. فاطمه احدی*: دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. پست الکترونیک: fatemeh.ahadi1394@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. بابک پور قهرمانی: دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

چکیده

در قوانین شکلی و ماهوی ایران تعریفی از جرایم خرد و یا تقسیم‌بندی که مرز بین جرایم خرد را با کلان روشن نماید ارائه نگردیده است؛ چراکه طبقه‌بندی منظم و معینی که گویای شدت و ضعف جرایم و مجازات‌ها باشد به صورت منطقی در نصوص کیفری ایران مشاهده نمی‌گردد؛ در حال حاضر به دلیل تغییر ماهیتی نظام جرایم و مجازات‌ها منبعث از موازین فقهی به چهار دسته حدود و قصاص و دیات و تعزیرات و با توجه به کارکرد هریک از این مجازات‌ها و عدم امکان سنجش و مقایسه این مجازات‌ها نسبت به یکدیگر، ارائه تعریف از جرایم خرد امری بسیار پیچیده و دشوار است؛ که برخورد دوگانه و سیاست متناقض مقنن در قوانین ماهوی و شکلی که نشان‌گر استیصال در امر تقنین می‌باشد، بر این دشواری افزوده است. این امر در حالیست که در نظام کیفری انگلستان با اتخاذ رویکرد منطقی در تقسیم‌بندی محاکم و طبقه‌بندی جرایم از ابعاد شکلی و ماهوی نه تنها قلمرو جرایم خرد و کلان را مشخص نموده، بلکه از حیث رسیدگی و در عمل رویه‌ای منطقی و افتراق را در اعمال سیاست جنایی پیش‌رو دارد، که این موضوع دورنمای منظمی از هم‌پوشانی ماهوی و شکلی را در این نظام به ذهن متبادر می‌نماید؛ به هر تقدیر با توجه به ویژگی‌های شمرده شده و ملاک‌های جرایم خرد و قوانین گذشته و رویکرد تقنینی جدید مقنن در قانون جدید شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ و تعریف ارائه شده از این دسته از جرایم به نظر می‌توان گفت، که جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ در نظام کیفری ایران در زمره جرایم خرد و در دایره تعریف این دسته از جرایم قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: جرایم خرد، جرایم بدون کیفرخواست، جرایم اختصاری، دادگاه‌های صلح

نحوه استناددهی: قنبری کرمانشاهی، محمدسعید، احدی، فاطمه، و پور قهرمانی، بابک. (۱۴۰۴). جرایم خرد: از ابهام در قلمرو مفهومی تا استیصال در سیاست کیفری با نگاهی به نظام کیفری انگلستان. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۱۷(۳)، ۲۹۱-۲۷۵.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۶ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۰ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۹ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۸ مهر ۱۴۰۴

یکی از مباحث چالش برانگیز در نظام حقوقی ایران عدم وجود تعریف مدون از جرایم خرد می‌باشد، که شاید منشا این اختلاف ناشی از فقدان طبقه‌بندی جرایم به خرد و کلان در قوانین کیفری ماهوی و همچنین آیین دادرسی کیفری است. برخی از دکترین در تایید این مطلب و با عنایت به سکوت مقنن و عدم وجود چنین تقسیم‌بندی در مقررات ماهوی و شکلی ایران معتقدند، که گرایش به تقسیم‌بندی جرایم به خرد و کلان، نشأت گرفته از دانش جرم شناسی می‌باشد (Mohammadnasel, 2015). به نظر نویسنده در این پژوهش گرایش به تقسیم‌بندی جرایم به خرد و کلان اگرچه ممکن است از دانش جرم شناسی نیز متأثر باشد، لیکن با عنایت به اینکه مقنن همواره در صدد ایجاد مرز بین جرایم سنگین و سبک بر آمده، (که اتخاذ سیاست دادرسی افتراقی در جرایم سبک و خرد مویید این موضوع است) نشان‌گر تمایل مقنن به طبقه‌بندی جرایم به خرد و کلان و پذیرش ضمنی این طبقه‌بندی می‌باشد؛ که البته بایستی متذکر شد، هدف نهایی مقنن و علت چنین میل باطنی در پذیرش ضمنی تقسیم‌بندی جرایم به خرد و کلان، یقیناً برقراری عدالت و تناسب بین جرم و مجازات می‌باشد؛ چرا که عقل سلیم نمی‌پذیرد که در مقابله با جرایم خرد و کلان، صرف نظر از شدید و خفیف بودن ماهیت هر کدام، مقنن یک نوع موضع گیری واحد (از حیث مقررات ماهوی از قبیل؛ مجازات، استفاده از نهادهای تخفیفی و... و از حیث مقررات شکلی از قبیل؛ صلاحیت محاکم، تشریفات دادرسی و...) را اتخاذ نماید، و در نتیجه یک نوع رفتار واحد با مرتکبین جرایم شدید و خفیف را در عالم خارج معمول بنماید؛ چرا که به نظر در جرایم سبک می‌بایست با اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در مرحله تعیین مجازات و همچنین تشریفات دادرسی و اجرای مجازات با رویکرد مداراگرایانه و اصلاحی و با شیوه‌های مبتنی بر تسریع در روند رسیدگی و حذف پاره‌ای از تشریفات، و با ایده‌های بازپروری و ارفاق و تسامح و... مرتکبین چنین جرایمی را از ورود به فرایند انحراف ثانویه باز داشت. جرایم خرد در لغت و در زبان انگلیسی معادل واژه Minor Offenses و Petty Offenses که این عبارات در فرهنگ حقوقی جزا به جرم خلافی، خلاف، تخلف، جرم کوچک، جرم جزئی، جرم خرد، ترجمه و در تعریفی کوتاه به جرمی که دارای مجازات یا جریمه اندک است تعریف شده است. (رمضانی، ۱۳۸۹، ص ۴۳۰). برخی از حقوق دانان در تعریف جرایم خرد بیان می‌نمایند که؛ جرایم خرد یا مانع، جرایمی هستند که اصولاً برای پیشگیری از سایر جرایم سنگین‌تر جرم‌انگاری می‌شوند (Esfandiari & Noorpour, 2017). پژوهشگر معتقد است، که مقصود نویسندگان از عبارت "مانع" که آن را مترادف با واژه خرد دانسته‌اند از این منظر است، که جرم‌انگاری این جرایم در راستای سیاست جنایی تسامح صفر منجر به پیشگیری از بروز جرایم شدید خواهد شد، چرا که جرم‌انگاری آن نوعی مانع جهت بروز جرایم شدیدتر است. در خصوص جرایم خرد با عنایت به اینکه تعریف خاصی از آن در حقوق ایران و متون قانونی ملاحظه نمی‌گردد، ارائه تعریف دقیق امری بسیار مشکل و پیچیده است، به همین خاطر از لحاظ روش استنباطی ضروری است با شناسایی دقیق محدوده و مصادیق آن و ویژه گی‌های این جرایم بتوانیم به تعریف غالب و منطقی در این خصوص رسیده و آن را ملاک عمل قرار دهیم؛ این امر در حالی است که در حقوق انگلستان ضمن مشخص شدن حدود و ثغور جرایم خرد که از آن به جرایم اختصاری یاد می‌گردد، اساساً تعقیب کیفری نیز بر پایه مصلحت و منفعت جمعی معمول می‌گردد (Tavili, 2023) و مقام تعقیب با در دست داشتن ابزارهایی از جمله هشدار و اخطار، می‌تواند با تمسک به اصل اقتضاء تعقیب در جرایم کم اهمیت از تعقیب کیفری منصرف گردد. بنابراین به نظر می‌رسد، ملاک تشخیص جرایم خرد در مقررات ماهوی ایران، توجه به میزان مجازات باشد، که در نتیجه آن می‌توان به حبس‌های کوتاه مدت و جزای نقدی اندک و ارتکاب آن در حوزه نظم عمومی شهرها و خصوصاً کلانشهرها (Norouzi & Javanmard, 2009) توجه نمود، و از حیث مقررات شکلی و آیین دادرسی توجه به فرایند رسیدگی جرایم خرد، که غالباً توأم با حذف

پارهای از تشریفات رسیدگی با هدف کاهش اطاله و تسریع در روند رسیدگی، کاهش هزینه‌های نظام قضایی و تورم‌زدایی از پرونده‌های کیفری (Bahiraei & Elham, 2019) متجلی می‌گردد، می‌تواند مورد مذاقه و ملاک تشخیص جرایم خرد قرار گیرد. اهمیت تشخیص جرایم خرد و تعیین حدود و ثغور آن و تعیین و تشخیص مرز فی‌مابین جرایم خرد و کلان منتهی به اتخاذ سیاست جنایی کارآمد در مقابله با بروز این دسته از جرایم در عالم خارج است. از نظر محققین زمانی سیاست جنایی کارآمد می‌باشد که منتهی به پیشگیری از وقوع جرم و یا کاهش تراکم کیفری پرونده‌ها در محاکم دادگستری گردد؛ با این توضیح می‌توان بر آن بود که این تحقیق از این جهت دارای اهمیت است که؛ اولاً؛ ابهامات و اشکالات مقررات ماهوی و شکلی موجود و خلاءهای قانونی در ارتباط با جرایم خرد را مورد واکاوی قرار داده و سرگشتگی و استیصال مقنن در قبال جرایم خرد را نمایان می‌سازد. ثانیاً؛ عدم اتخاذ سیاست جنایی واحد توسط مقنن در مقررات شکلی و ماهوی در قبال جرایم خرد را تحلیل نموده و رفتار دو گانه و متناقض مقنن در مواجهه با درجات مختلف جرایم تعزیری را مشخص می‌نماید. ثالثاً؛ نتیجه گیری می‌گردد، که این ابهامات و ایرادات و تحیر مقنن تا جاییست که علی‌رغم عدم تمیز جرایم خرد با کلان و عدم تعریف مدون و منطقی از آنها، به دنبال اصلاح نظام و تشکیلات محاکم آن هم نه با تاسیس فرایندی مدرن به تاسی از سایر نظام‌های مترقی، بلکه صرفاً با تمسک به مقررات منسوخه سابق و به عبارتی «رجعت به گذشته» می‌باشد، و به یک باره مبادرت به تاسیس محاکم صلح در قانون شوراهای حل اختلاف ۱۴۰۲ می‌نماید، که اگر چه این اقدام می‌تواند گامی مثبت در جهت کاهش تورم پرونده‌ها در محاکم و کاهش اطاله دادرسی باشد، لیکن پیش‌تر نشأت گرفته از سرگشتگی مقنن ایران در اتخاذ سیاست جنایی منطقی در مبارزه با جرایم سبک که مولد جرایم سنگین خواهند بود، می‌باشد؛ چرا که، مادامیکه هنوز تعریف منطقی از جرایم خرد موجود نمی‌باشد و حتی رفتار مقنن در مواجهه با مصادیق جرایم خرد دو گانه باشد، با ایجاد محکمه جدید نمی‌توان ایرادات و اشکالات نظام قضایی را حل و فصل کرده و از سرگردانی‌های یابیم؛ در حالیکه در مقام تطبیق شاهد چنین سرگردانی در نظام کیفری انگلستان نمی‌باشیم، چرا که در این نظام جرایم به سه دسته، ۱- جرایم اختصاری ۲- جرایم دو وجهی ۳- جرایم قابل کیفر خواست تقسیم‌بندی می‌گردد، که هر دسته با توجه به تشریفات منطقی و خاص خود در دادگاه صلح یا دادگاه جزا مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. فلذا خواننده با مطالعه مفاد این تحقیق به درک صحیح و تحلیلی از حیث ابهامات تقنینی موجود دست یافته و می‌توان مدعی شد که با این رویکرد نگرش نابی در تحلیل و فهم هر چه بهتر قلمرو مفهومی جرایم خرد به خوانندگان تقدیم می‌نماید.

مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر از روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای جهت نگارش مقاله استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

با عنایت به عرف نظام تقنینی کیفری، که بعضاً برای نشان دادن هنجارهای مورد احترام مبادرت به تعیین مجازات برای ناقضین این قواعد و هنجارها می‌نماید؛ می‌توان استنباط نمود که هرچقدر هنجار و ارزش مهمتری نقض گردیده باشد، در نتیجه ضمانت اجرای شدیدتر و سخت‌تری را مقنن برای آن، ملحوظ نظر قرار می‌دهد؛ و برعکس هر چقدر رفتار و هنجار از اهمیت کمتری برخوردار باشد، در نتیجه مجازات سبک‌تری را مقنن برای ناقضین آن تعیین می‌نماید؛ بنابراین با توجه به شدت واکنش اجتماعی می‌توان جرایم خرد و سبک را مورد شناسایی قرار داد.

بحث

در این قسمت ابتدا به تعریف جرم خرد و ضوابط تشخیص آن پرداخته خواهد شد.

تعریف جرم خرد و ضوابط تشخیص آن

همانگونه که بیان شد جرایم خرد در زبان انگلیسی معادل واژه Minor Offenses و Petty Offenses می‌باشد که در در فرهنگ حقوقی جزا به جرم خلافی، خلاف، تخلف، جرم کوچک، جرم جزئی، جرم خرد، ترجمه و در تعریفی کوتاه به جرمی که دارای مجازات یا جریمه اندک است تعریف شده است. در متون کیفری و مقررات ماهوی ایران تعریفی از جرایم خرد ارائه نگردیده و حتی به طبقه‌بندی جرایم به خرد یا کلان نیز اشاره‌ای نگردیده است؛ اگرچه مقنن به نظر تمایل به تعیین مرز بین جرایم خرد و کلان، با پذیرش برخی قواعد محدود دادرسی افتراقی نسبت به جرایم خرد و سبک، را داشته؛ لیکن هیچ‌گاه به صراحت در خصوص مرز بین این دو دسته از جرایم سخنی به میان نیاورده است؛ فلذا جهت تشخیص و تعیین قلمرو مفهومی منطقی در جرایم خرد، می‌بایست به ضوابط تشخیص این دسته از جرایم و سیاست اتخاذی مقنن در قوانین ماهوی و شکلی نظر افکند؛ به همین خاطر به عنوان یک ضابطه منطقی به نظر توجه به میزان واکنش اجتماعی و مجازات در قوانین ماهوی و توجه به فرایند رسیدگی جرایم خرد، (که غالبا توأم با حذف پاره‌ای از تشریفات رسیدگی با هدف کاهش اطاله و تسریع در روند رسیدگی، کاهش هزینه‌های نظام قضایی و تورم‌زدایی از پرونده‌های کیفری می‌باشد) در قوانین شکلی، می‌تواند راه گشا باشد؛ در نظام کیفری انگلستان، روش دادرسی را ملاکی برای تعیین جرایم خرد و تفکیک آن از جرایم مهم دانسته اند؛ همانگونه که مختصرا اشاره شد در حقوق کیفری انگلستان یکی از اقسام طبقه‌بندی جرایم طبقه‌بندی براساس نحوه دادرسی است (Norouzi, 2005b)؛ در این کشور جرایم سبک و خرد در دادگاه صلح و در طبقه‌بندی جرایم اختصاری و با روش دادرسی بدون کیفرخواست مورد رسیدگی قرار می‌گیرند؛ منظور از دادرسی بدون کیفرخواست شیوه‌ای از رسیدگی است که مبتنی بر حذف هیات منصفه در تصمیم‌گیری به منظور حصول سرعت در رسیدگی، بدون نقض هر گونه بی‌طرفی مرجع رسیدگی کننده می‌باشد (Mehra & Zarghami, 2014). با مجموع مطالب گفته شده به نظر جرایم خرد در حقوق کیفری ایران به جرایمی که دارای مجازات جزای نقدی سبک و یا حبس‌های کوتاه مدت باشد، اطلاق می‌گردد؛ که بعضا این جرایم در ارتباط با زندگی روزمره شهروندی بوده (Norouzi, 2005b) و از درجه اهمیت بسیار پایین‌تری نسبت به سایر جرایم برخوردار است، به گونه‌ای که با خفیف‌ترین واکنش اجتماعی به آن پاسخ داده خواهد شد، و اغلب سیاست کیفری مقنن ایرانی در برخورد با این دسته از جرایم با اهداف اصلاحی و درمانی و مبتنی بر ارفاق و تسامح، جلوه می‌نماید.

ویژگی‌های جرایم خرد

بیان ویژگی‌های جرایم خرد از این جهت دارای اهمیت است که می‌بایست سرلوحه مقنن در امر قانون‌گذاری قرار گیرد؛ چراکه حقیقتا با عنایت به ماهیت این دسته از جرایم، به لحاظ ماهوی نیازمند واکنش کیفری مختص به خود، که عملا سبک و یا مبتنی بر ارفاق و رویکرد مدارا گرایی است می‌باشد؛ و از طرفی به لحاظ تشریفات رسیدگی، این دسته از جرایم نیازمند مراحل و فرایند پیچیده قابل اعمال در جرایم سنگین که نیازمند دقت نظر فراوان است، نبوده؛ همچنین کثرت و فراوانی ارتکاب این دسته از جرایم که بعضا در ارتباط کامل با نظم عمومی شهرها و خصوصا کلان شهرها و زندگی روزمره می‌باشند، نیازمند رسیدگی با سرعت بیشتر و با حذف پاره‌ای از فرایند دادرسی در جهت کاهش اطاله دادرسی، است (Javanmard, 2014)؛ برخی از نویسندگان (Akhoundi, 2000; Norouzi, 2005a, 2005b) برای جرایم خرد ویژگی‌هایی را برشمرده‌اند، که با مطالعه این ویژگی‌ها، خصوصیات ذیل قابل استنباط است؛

- جرایم خرد جرایمی هستند که مجازات آن‌ها شدید و خشن نیست.
- اکثر این جرایم، جرایم مادی صرف هستند و به بیان دیگر برای اثبات آن‌ها نیازمند احراز عنصر معنوی نمی‌باشیم.
- غالبا در خصوص جرایم خرد می‌بایست مقررات تعدد و تکرار جرم اعمال نگردد.

- مقررات استرداد مجرمین به دلیل سبک و خرد بودن این دسته از جرایم در مورد آن‌ها اجرا نمی‌شود.
- رسیدگی به این جرایم در دادگاه‌های دون پایه و ساده (در نظام کیفری ایران برابر بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون جدید شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ رسیدگی به جرایم تعزیری عمدی درجه ۷ و ۸ در صلاحیت محکمه جدیدی با عنوان دادگاه صلح قرار گرفته و این ابداع از حیث عنوان مشابه دادگاه‌های صلح در نظام کیفری انگلستان است که صلاحیت رسیدگی به جرایم اختصاری و دو وجهی را دارد) صورت پذیرفته و تجدید نظر خواهی در خصوص این جرایم پذیرفته نیست.
- مقررات مربوط به تعلیق تعقیب در خصوص این قبیل جرایم قابل اجراست.
- محکومیت به ارتکاب این جرایم، محکومیت موثر کیفری محسوب نمی‌گردد.
- این جرایم بعضاً کثیر الوقوع می‌باشند و با زندگی روزمره افراد در ارتباط است.
- معاونت در این دسته از جرایم مجازات ندارد.
- مدت مرور زمان این دسته از جرایم معمولاً کمتر از سایر جرایم است.
- این جرایم معمولاً فاقد آثار تبعی و کیفرهای تکمیلی‌اند.

طبقه‌بندی نظام جرایم و مجازات‌ها در گذر زمان

با عنایت به اینکه یکی از ضوابط تشخیص جرایم خرد از کلان توجه به میزان شدت و ضعف واکنش اجتماعی علیه آن جرم می‌باشد، فلذا نظام جرایم و مجازات‌ها قبل و بعد انقلاب مورد مذاقه توسط نویسندگان مقاله قرار گرفت؛ ماحصل این بررسی‌ها نشان‌گر آن است که اولاً قوانین ماهوی قبل از انقلاب عبارتند از؛ الف: قانون جزای عرفی مصوب ۱۲۹۵ ه.ش ب: قانون مجازات (ملی) عمومی مصوب ۱۳۰۴ ه.ش ج: قانون مجازات (ملی) عمومی مصوب ۱۳۵۲ ه.ش

و ثانیاً در این قوانین نظام جرایم و مجازات‌ها بر اساس شدت و ضعف مجازات تقسیم‌بندی گردیده است به گونه‌ای که با اندک بررسی می‌توان جرایم خرد و سبک را از شدید و سنگین مورد تمیز قرار داد؛ برای مثال در قانون جزای عرفی (۱۲۹۵ ه.ش) ملاحظه می‌شود که تقسیم‌بندی جرایم با توجه به شدت و ضعف کیفر می‌باشد به گونه‌ای که می‌توان به سهولت خرد و سبک یا کلان و سنگین بودن هر جرم را حسب مجازات و تقسیم‌بندی معموله تشخیص داد، چرا که در قانون جزای عرفی، جرایمی که مجازات آن خلاف است به شرح ماده ۵ این قانون، «جزای تکذیری فقط حبس قابل اتباع است». و از طرفی با توجه به ماده ۳۲ و ۳۳ این قانون، حبس تکذیری در امور خلاف کمتر از یک روز و بیشتر از پنج روز نخواهد بود که با میل محکوم کلاً قابل تبدیل به وجه نقدی می‌باشد؛ لذا ملاحظه می‌شود که با ضابطه‌های تعیین شده در مواد فوق در کنار طبقه‌بندی و تقسیمی که مقنن در قسمت چهارم این قانون (در امور خلاف و مجازات آن‌ها) مورد تصریح قرار داده است علاوه بر دسته‌بندی و شناسایی مصادیق جرایم خرد و میزان مجازات آن‌ها به درک صحیحی از مصادیق اعمال خلاف که همان جرایم خرد و سبک به شمار می‌رود دستیابی پیدا کند. و یا در قانون مجازات (ملی) عمومی مصوب ۱۳۰۴ مقنن به ترتیب به طبقه‌بندی مجازات جنایت، مجازات جنحه مهم، مجازات جنحه کوچک، و مجازات خلاف می‌پردازد، به گونه‌ای که با اندک مذاقه به راحتی می‌توان جرایم خرد را از جرایم کلان و سنگین مورد تمیز قرار داد. مقنن در ماده ۲۷۶ این قانون عنصر قانونی جرایم خرد را ذکر کرده بود به گونه‌ای که از مفاد این ماده به خوبی استنباط می‌شود که نمایندگان ملت در سال ۱۳۰۴ بر مبارزه با کوچکترین مصداق ناهنجاری و بزهکاری علاقه خاصی نشان داده‌اند. براساس اذن مقنن به شرح منطوق ماده ۲۷۶ این قانون آیین نامه امور خلافی مصوب ۱۳۲۴/۵/۲۲ به تصویب رسید؛ که در این آیین

نامه به صورت نظام مند مصادیق جرایم خرد و امور خلافی مورد تصریح قرار گرفت و حقیقتاً با عنایت به معین بودن و ضابطه مند بودن نظام جرایم و مجازات‌ها در این قانون و آیین نامه امور خلافی هنجارهای با اهمیت و مهم از سایر هنجارها به راحتی قابل تشخیص بود. به عنوان مثالی دیگر می‌توان به قانون مجازات (ملی) عمومی مصوب ۱۳۵۲ اشاره نمود، که در این قانون باز هم طبقه‌بندی جرایم و مجازات‌ها بر اساس شدت و ضعف مجازات به سه دسته جنایت، جنحه، خلاف، به قوت خود برقرار است و بر این اساس به راحتی می‌توان جرایم خرد را از جرایم مهمتر مورد تمیز قرار داد؛ تنها تفاوت قانون مجازات عمومی سال ۵۲ با قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ در این است که در قانون سال ۵۲ طبقه‌بندی جنحه‌های مهم و کوچک مطروحه در سال ۱۳۰۴ از بین رفت و جنحه‌ها به صورت واحد مورد شناسایی قرار گرفت. در قوانین مصوب بعد از انقلاب از حیث نظام جرایم و مجازات‌ها تغییرات اساسی رخ داد و این تغییرات ابهامات بسیاری را از حیث شناسایی و تشخیص جرایم و مجازات‌ها و فهم شدت و ضعف آن‌ها به وجود آورد. به عبارت دیگر در گذشته تقسیم‌بندی جرایم بر اساس شدت مجازات‌ها صورت می‌پذیرفت لیکن در قوانین مصوب بعد از انقلاب این ملاک مورد تغییر قرار گرفت و به جای آن با تاسی از نظام طبقه‌بندی مجازات‌های فقهی، نوع مجازات و منافی که نقض می‌شد مبنای طبقه‌بندی قرار گرفت (Norouzi, 2005a). قوانین مصوب بعد از انقلاب به ترتیب عبارتند از؛ الف: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ ب: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ج: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که در ادامه ذیل قسمت‌های مستقل به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱

این قانون در ۴۱ ماده در جلسه روز چهارشنبه ۱۳۶۱/۷/۲۱ به تصویب کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی رسیده و شورای محترم نگهبان نیز آن را مورد تایید قرار داده است؛ در این قانون برای اولین بار به تاسی از تغییرات ایدئولوژیک نظام اسلامی و با تاثیر از نظام مجازات‌های شرعی مندرج در فقه در فصل دوم از قانون مرقوم به عنوان جرایم و مجازات‌ها و در ماده ۷ تصریح نمود که: « مجازات‌ها حسب نوع جرایم بر چهار قسم است: ۱. حدود ۲. قصاص ۳. دیات ۴. تعزیرات » و سپس در مواد ۸ تا ۱۱ به تعریف هرکدام از این ۴ دسته می‌پردازد؛ لیکن ضابطه منطقی که بتوان به موجب آن گفت حدود شدید تر است یا تعزیرات به دلیل نوع و کارکر هرکدام، موجود نبوده و امکان پذیر نیست.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

این قانون در ۴۹۷ ماده و چهار کتاب به ترتیب، کلیات، حدود، قصاص، دیات، در جلسه روز سه‌شنبه ۱۳۷۰/۵/۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. مقنن در باب دوم از کتاب کلیات تحت عنوان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و در فصل اول تحت عنوان اخیر الذکر، به شرح ماده ۱۲ اشعار می‌دارد: «مجازات‌های مقرر در این قانون پنج قسم است: ۱-حدود ۲-قصاص ۳-دیات ۴-تعزیرات ۵-مجازات‌های بازدارنده» و بلافاصله در مواد ۱۱۳ الی ۱۷ به تعریف هرکدام از ۵ دسته فوق می‌پردازد. تنها تفاوت این ماده با قانون سال ۱۳۶۱ این است که دسته جدیدی تحت عنوان مجازات بازدارنده در متون کیفری مورد شناسایی قرار می‌گیرد و ابهامات بسیاری نیز به دنبال آن مطرح می‌گردد، و نکته‌ای که محل مذاقه جدیست و اشکال فراوان بر آن وارد است این که مقنن نسبت به معرفی و تعریف یک نوع مجازات تحت عنوان مجازات‌های بازدارنده در ماده ۱۲ و ۱۷ این قانون نموده است، لیکن این قانون تنها ۴ کتاب دارد و فصلی تحت عنوان کتاب تعزیرات و یا کتاب مجازات بازدارنده نداشته و مورد تصویب قرار نگرفته است؛ نتیجتاً در فصل کلیات مقنن یک نوع مجازات را مورد شناسایی و تعریف قرار داده که در مواد آتی هیچ گونه مصوبه‌ای یا فصلی و یا کتابی را به آن اختصاص نداده و اساساً تعزیرات و

مجازات‌های بازدارنده را مورد تصویب قرار نداده است! صرف نظر از اشکالات فراوان این قانون و ابهامات تقنینی آن نظام مجازات‌ها و طبقه‌بندی جرایم مندرج در آن نیز با ابهامات فراوان و آشفتگی بسیاری مواجه است، به گونه‌ای که به هیچ وجه امکان تشخیص جرایم خرد از مهمتر با تعاریف و ملاک‌های این قانون ممکن الحصول نیست. در این قانون شلاق هم مجازات حدی است و هم تعزیری و یا جزای نقدی هم تعزیری است هم بازدارنده بنابراین نمی‌توان به صراحت گفت تعزیرات اشد می‌باشد یا مجازات‌های بازدارنده و نمی‌توان گفت شلاق حدی اشد است یا شلاق تعزیری؟ و اساساً چون شلاق در زمره مجازات‌های بدنی تقسیم‌بندی می‌گردد، نمی‌توان آن را با مجازات‌های مالی مثلاً جزای نقدی یا مجازات‌های محدود کننده آزادی و یا مجازات‌های سالب آزادی مورد سنجش و مقایسه قرار داد؛ به همین علت امکان تشخیص جرایم خرد از مهم و کلان عملاً غیر ممکن است.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

پس از اینکه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ متأسفانه ۲۲ سال در کشور ما اجرای آزمایشی شد مقنن در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح مصوبه‌ای در ۷۲۸ ماده و چهار کتاب مبادرت به تصویب قانون مجازات اسلامی جدید نمود. نظام مجازات‌های مندرج در این قانون ذیل فصل اول (مجازات‌های اصلی) از بخش دوم (مجازات‌ها) از کتاب اول (کلیات) و در ماده ۱۴ می‌باشد. این ماده اشعار می‌دارد: « مجازات‌های مقرر در این قانون ۴ قسم است: ۱- حد ۲- قصاص ۳- دیه ۴- تعزیر » سپس مقنن از مواد ۱۵ الی ۱۸ به تعریف هر کدام از طبقه‌بندی‌های مجازات‌های احصائی می‌پردازد. نکته قابل تامل اینکه مجازات‌های بازدارنده در قانون سال ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته نمی‌شود و از اعداد مجازات‌ها به شرح ماده ۱۴ خارج می‌گردد و نکته محل تامل اینکه برابر ماده ۱۸ این قانون به نظر مجازات‌های بازدارنده با تعزیرات ادغام گردیده و این امر سوالی را به ذهن متبادر می‌سازد اول اینکه، اگر تعزیر با مجازات بازدارنده یکی است، پس چرا در قانون سال ۱۳۷۰ این دو مجازات مستقل از یکدیگر تعریف گردیدند؟ و اگر تعزیر و مجازات بازدارنده متفاوت هستند، پس چرا در قانون فعلی مجازات مصوب ۱۳۹۲ با هم ادغام گردیده، و مقنن مجازات بازدارنده را به شرح تعریف تعزیر، داخل در تعزیرات می‌داند؟ این اقدامات مقنن در نظام مجازات‌ها ناشی از سرگشتگی مقنن در تعیین دقیق تعریف و مصادیق هر کدام از انواع مجازات‌های احصائی می‌باشد. بنا براین با مذاقه در نظام مجازات‌های این قانون نیز یقیناً نمی‌توان مرز دقیقی از جرایم خرد و کلان را به دست آورد و ایرادات قبلی مربوط به قانون مجازات اسلامی سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ همچنان به موضوع وارد است؛ البته یکی از نوآوری‌های مقنن در سال ۱۳۹۲ به شرح ماده ۱۹ این قانون درجه بندی مجازات‌های تعزیری به ۸ درجه می‌باشد که با اعمال قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اصلاحاتی براین ماده وارد گردید؛ لیکن این نوآوری نیز اگر چه به نظر نوعی دسته بندی مجازات‌های تعزیری می‌باشد، اما باید متذکر شد که این درجه بندی خود دارای ابهامات فراوان است، که در مباحث آتی توضیح داده خواهد شد؛ و یقیناً از این درجه بندی و تاسیس نوین مقنن نیز به صراحت نمی‌توان گفت، فلان درجه از تعزیرات خرد و فلان درجه کلان است؛ چرا که گفته خواهد شد، که مقنن برخورد واحدی با درجه‌های خفیف از جهت اعمال ارفاق‌های قانونی به عمل نیاورده، که با وحدت ملاک از آن، حکم به خرد و سبک بودن و خفیف بودن آن درجه در مقابل سایر درجات در این ماده بنماییم. فلذا ابهامات فراوان همچنان در ماده و در این قانون که بیانگر استیصال مقنن می‌باشد، ملموس و آشکار است.

واخوردگی تقنینی و یافته‌ها

مقررات ماهوی

از نظر نویسنده واژه جرایم خرد با واژه جرایم سبک مترادف است؛ لیکن به نظر برخی از نویسندگان واژه جرایم خرد ممکن است با جرایم سبک هم پوشانی داشته باشد، لیکن با جرایم خرد یکی نیست (Heydari, 2015) این نویسنده در مقاله خود اصطلاح جرایم سبک را در مقابل جرایم سنگین به کار می‌برد و معتقد است، رویکرد مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رویکردی ارفاق آمیز در برخورد با جرایم تعزیری درجه ۸ تا ۶ می‌باشد؛ فلذا با پذیرش استدلال ایشان و با لحاظ مفهوم مخالف این استدلال این گونه به ذهن متبادر می‌گردد، که مقنن چنین رویکردی را در مقابله با جرایم تعزیری با درجه‌ای بالاتر از ۶ ندارد، و یا شاید نظر بر این دارد که جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۱ جزو جرایم تعزیری سنگین می‌باشد و با همین استدلال به نظر، مقنن جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ را از زمره جرایم سبک قرار داده است. لیکن به دلایلی این استدلال مورد پذیرش نویسنده مقاله حاضر نمی‌باشد؛

اول، اینکه مقنن طبقه‌بندی و تفکیک مطلوبی از جرایم به خرد و کلان و تعریفی که مبین حدود و ثغور هریک از این دو دسته جرایم باشد را ارائه ننموده است؛ و دوم اینکه نظام طبقه‌بندی مجازات‌ها نیز که به عنوان ضابطه‌ای جهت تشخیص جرایم به خرد و کلان می‌تواند مورد مذاقه قرار گیرد، در قانون مجازات اسلامی مبتنی بر شدت و ضعف مجازات‌ها تقسیم‌بندی نگردیده و بر مبنای تقسیم‌بندی منبعث از فقه به ۴ دسته حدود، قصاص، دیات و تعزیرات طبقه‌بندی شده است؛ که با عنایت به ماهیت و تعریف هریک از مجازات‌های اخیر و کارکرد آن‌ها نمی‌توان به درستی مرز دقیقی از جرایم به خرد و کلان را ارائه کرد؛ چرا که ماهیتا هریک از مجازات‌های حدود و قصاص و دیات و تعزیرات با یکدیگر متفاوت می‌باشد و به دلیل عدم سنخیت و کارکرد مجزای هریک، نمی‌توان از حیث شدت و ضعف در یک مقیاس مورد سنجش قرار گیرند؛ همچنین گاهی ماهیتا برخی از این مجازات‌ها در اجرا و از حیث نوع مشابه یکدیگرند، فلذا با عنایت به تعاریف و کارکرد و تقسیم‌بندی‌های این مجازات‌ها و با عنایت به مصادیق آن‌ها، تشخیص خفیف و شدید بودن هر دسته نسبت به دسته دیگر و نتیجتاً تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی این ۴ دسته به خرد و کلان و با قطع نظر، امری مشکل و تقریباً محال است؛ و سوم اینکه؛ مقنن با جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ رفتار ارفاق آمیز واحدی ندارد و گاهی جرایم تعزیری درجه ۶ را مشمول تخفیف و ارفاق‌های قانونی دانسته؛ برای مثال مقنن در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی صدور حکم به معافیت از کیفر را تحت شرایطی صرفاً در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ جایز دانسته است و گاهی ارفاق‌های قانونی را صرفاً شامل درجه ۸ دانسته است؛ برای مثال مقنن در ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد؛ «مرتکبان جرایم عمدی که حد اکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند»؛ و گاهی نیز یا سرگشتگی تمام ارفاق و تخفیف قانونی را شامل جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ دانسته است؛ که نمونه آن ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی می‌باشد که مقنن با لحاظ شرایطی جرایم تعزیری درجه ۸ تا ۶ را مشمول نهاد تعویق صدور حکم که نهادی تخفیفی، اصلاحی و درمانی است، می‌داند؛ و در همین راستا نکته عجیبی که مبین واخورده گی مقنن در تدوین مقررات و بیانگر عدم تعیین و تشخیص مرز و ضابطه مشخص در جرایم خرد و کلان می‌باشد؛ این است که در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مقنن اعطای اختیار به مقام قضایی در خصوص تعلیق اجرای مجازات را منوط و مشروط به احراز شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم نموده است؛ و جرایم تعزیری درجه ۳ تا ۸ را مشمول تعلیق اجرای مجازات معرفی نموده است؛ حال سوال این است که اگر شرایط تعلیق اجرای مجازات احراز شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم است، و اگر تدابیر اصلاحی و درمانی و سیاست‌های حبس‌زدایی مورد تمرکز مقنن است، پس چرا تعویق صدور حکم صرفاً در جرایم درجه ۸ تا ۶ است؟! حال که مرز بندی دقیقی فی مابین جرایم خرد و کلان و تعریف مشخصی از آن وجود ندارد و از طرفی ضابطه مشخصی که مقنن از آن تبعیت نموده باشد، نیز محرز نیست؛ چه اشکال قانونی ایجاد می‌گردید که در راستای سیاست‌های مبتنی بر حبس‌زدایی جرایم تعزیری درجه ۳ تا ۸ نیز مشمول نهاد

تعویق صدور حکم باشد؟! فلذا به نظر می‌رسد؛ این اشکالات و ایرادات و ابهامات همه نشات گرفته از استیصال مقنن در اتخاذ رویه یکسان در مراحل نگارش و تدوین و تصویب قانون است. سرگشتگی و عملکرد متناقض مقنن به حدیست که گاهی مبادرت به تدوین مصوباتی می‌نماید، که اهداف اصلاحی، درمانی و یا اهدافی مبتنی بر سیاست‌های حبس‌زدایی را در تصویب آن مورد تمرکز قرار داده است؛ لیکن با تحیر تمام و در کمال ناباوری برخی مواد مورد تصویب در تعارض کامل و ناقض هدف اولیه و حتی با عنوان مصوبه نیز در تعارض است! برای مثال؛ مقنن در تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ در راستای سیاست‌های حبس‌زدایی و با هدف تقلیل مجازات‌های حبس تعزیری مبادرت به اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی نمود؛ لیکن برخی مواد این طرح مصوب، در تعارض با اهداف مقنن، نه تنها منتهی به تقلیل مجازات‌های تعزیری نگردیده، لیکن با اعطای اختیار به مقام قضایی رسیدگی کننده به نظر دامنه اختیارات مقام قضایی در تعیین مجازات تکمیلی برای کیفرهای تعزیری را افزایش داده که این امر با فلسفه تصویب و هدف اولیه مقنن در تعارض آشکار است؛ برای نمونه می‌توان به ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد؛ که به موجب این ماده تا قبل از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری قاضی دادگاه صرفاً مختار بود که در جرایم تعزیری از درجه ۱ تا ۶ مبادرت به تعیین کیفر تکمیلی بنماید و از این امر استنباط می‌گردید که مقنن با عنایت به ماهیت مجازات‌های تعزیری درجه ۸ و ۷ به دلیل خرد و سبک بودن جرایم مشمول این دو درجه، شدت وخامت آن را به حدی نمی‌داند که به قاضی رسیدگی کننده اختیار تعیین کیفر تکمیلی در این دو درجه اخیر را بدهد که از این امر به صورت ضمنی می‌توانستیم استنباط نماییم که جرایم درجه ۸ و ۷ خرد و سبک است؛ لیکن پس از تصویب قانون اخیر الذکر به نظر مقنن با انحراف از هدف اولیه، در متن اصلاحی با حذف عبارت درجه ۱ تا ۶ پس از عبارت مجازات‌های تعزیری، در تعارض با فلسفه تقنینی مبتنی بر اصلاح و درمان و بازپروری و کاهش مجازات، به نظر نوعی اعطای اختیار به مقام قضایی رسیدگی کننده را تفویض می‌نماید که متعاقب آن دادگاه می‌تواند در کلیه مجازات‌های تعزیری ۸ گانه (صرف نظر از درجه و سبک و سنگین بودن آن)، مختار در تعیین کیفر تکمیلی علاوه بر کیفر اصلی باشد؛ که این اعطای اختیار نه تنها ماهیت کاهش و اعمال تخفیف را ندارد، بلکه به نظر نوعی تشدید مجازات و خبر از واکنش اجتماعی مشدد مقنن در مقابل بروز جرایم تعزیری در جامعه را دارد؛ و با فلسفه تقنینی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در تعارض و تناقض جدیست. بنابراین اگر به عنوان یک ضابطه در سابق می‌توانستیم به این ماده استناد نماییم و مدعی این باشیم که جرایم تعزیری درجه ۸ و ۷ به نظر خرد و سبک می‌باشد، با اصلاحیه فوق الاشعار مقنن دیگر نمی‌توانیم به قطع بر این نظر اصرار بورزیم؛ عملکرد دو گانه مقنن محدود به مواد فوق نمی‌گردد و مثال‌های زیادی می‌توان ذکر نمود که جملگی مبین سرگشتگی مقنن در امر تقنین و رفتار دو گانه و متناقض با درجه‌های مختلف تعزیر است؛ برای مثال ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی ناظر بر شرایط نظام نیمه آزادی است؛ این نظام نیز از جمله ابداعات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد که جنبه ارفاقی دارد و محکوم می‌تواند با رعایت شرایطی تحت نظام نیمه آزادی قرار گیرد، لیکن آنچه که محل تامل است این که مقنن استفاده از نظام نیمه آزادی را در حبس‌های درجه ۵ تا ۷ جایز دانسته است و علت اینکه چرا صرفاً اعمال این نظام که جنبه ارفاقی دارد محدود به حبس‌هایی تعزیری درجه ۵ تا ۷ است مشخص نیست؟! اگر جنبه ارفاق دارد چرا در کلیه درجه‌های جرایم تعزیری قابل اعمال نباشد؟ و اگر اعمال آن تنها قرار است در جرایم خرد و سبک معمول گردیده و این دسته از جرایم صرفاً مشمول نهادهای تخفیفی گردد، با چه استدلالی حبس بیش از ۲ تا ۵ سال درجه ۵، خرد شمرده شده؟ فلذا ملاحظه می‌گردد، که مقنن خود نیز بلا تکلیف و حیران است. از طرفی در تبصره الحاقی به این ماده در سال ۱۳۹۹ (به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) مقنن بدون ضابطه منطقی حبس‌های تعزیری درجه ۲ تا ۴ را نیز منوط به گذراندن یک چهارم مدت حبس مشمول مقررات نظام نیمه آزادی نموده است؛ اصل عمل با هدف کاهش

مجازات حبس تعزیری و در راستای سیاست‌های حبس‌زدایی و ایده‌های جرم‌شناسی، اقدامی مثبت می‌باشد، لیکن از این جهت محل ایراد است، که ضابطه منطقی و دقیقی در اعمال این سیاست‌ها وجود ندارد! چراکه اگر محل اعمال نهادهای ارفاقی و تخفیفی صرفاً در جرایم خرد و کم اهمیت است با توجه به ماده و تبصره الحاقی اقدام مقنن دارای وجهت منطقی نمی‌باشد و اگر غیر این است، این تخفیف و ارفاق باید شامل کلیه درجه‌های ۸ گانه تعزیرات شود. بنابر این ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار از رویه منطقی پیروی ننموده و کاملاً نظام تقنینی ما متحیر است. مشابه چنین اتخاذ تصمیمی در مبحث نظام آزادی مشروط و در ماده ۶۲ این قانون عیناً تکرار گردیده است. در مبحث مجازات‌های جایگزین حبس نیز مقنن رویه ثابتی ندارد چراکه به شرح مواد ۶۵ تا ۶۹ این قانون به ترتیب؛ (در جرایم عمدی، تبدیل اجباری حبس تا سه ماه، تبدیل اجباری حبس تا شش ماه به شرط عدم وجود سابقه، تبدیل اختیاری حبس تا یک سال به شرط عدم سابقه، تبدیل اجباری حبس در جرایم غیر عمد، تبدیل اجباری مرتکبان جرایمی که نوع یا میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است) همگی این موارد به مجازات جایگزین حبس تبدیل خواهند شد، که تقریباً حبس‌های تعزیری درجه ۶ تا ۸ را با شرایطی می‌توان به مجازات جایگزین حبس تبدیل و محکوم نمود. ملاحظه می‌گردد که اتخاذ این رویه اخیر نیز مبتنی بر ضابطه منطقی نبوده و مقنن به اختیار و بدون استدلال علمی، صرفاً اعمال مجازات‌های جایگزین حبس را در درجه‌های ۶ تا ۸ جایز می‌داند. با ملاحظه مبحث توبه در قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از اسباب سقوط مجازات مقنن در ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص اثر توبه در برخی جرایم تعزیری تصریح نموده که در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت ایشان برای قاضی محرز گردد مجازات ساقط می‌گردد. پذیرش توبه در جرایم تعزیری امری قابل تحسین است لیکن ملاحظه می‌گردد، که صرفاً در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ منجر به سقوط مجازات می‌شود و در صورت احراز این امر در سایر جرایم صرفاً اختیار تخفیف مجازات به مقام قضایی رسیدگی کننده داده شده است؛ به نظر می‌رسد که در جرایم تعزیری کم اهمیت مقنن نظر بر سقوط مجازات با احراز توبه را دارد چرا که این جرایم سبک بوده و از اهمیت چندانی برخوردار نیستند؛ لیکن مجدداً با این اقدام مقنن شاهد رفتار دوگانه با درجه‌های کم اهمیت، و مجدداً بی ضابطه عمل نمودن مقنن و نوعی سرگشتگی تقنینی را شاهد می‌باشیم؛ چرا که این ارفاق قانونی را شامل جرایم تعزیری درجه ۶ نیز دانسته است. درحالی‌که به شرح گذشته، بعضاً برخی از ارفاق‌های قانونی را شامل تعزیرات درجه ۶ ندانسته است. همین امر در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی و در مبحث شروع به جرم نیز ذکر گردیده است؛ به عبارتی جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ شروع به جرم ندارند؛ که اشکال و ایراد ناظر بر ماده ۱۱۵ نیز بر این ماده بار است؛ که این امر درماندگی و عملکرد متناقض مقنن را نمایان می‌سازد؛ نکته جالب دیگر اینکه مقنن در اقدامی متناقض و سرگردان در مبحث معاونت در جرم به موجب ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی معاونت در جرم را در کلیه درجات تعزیر به شرح بند ۱ این ماده قابل تحقق می‌داند؛ صرف نظر از ایراد اساسی که پذیرش این موضوع به دنبال دارد و آن تصور معاونت در جرایم تعزیری درجه ۸ است، که مجازات معاون جرم را با ابهام و اشکال اساسی از حیث تعیین مجازات و نوع مجازات مواجه می‌سازد، عملکرد متناقض مقنن و سرگشتگی و استیصال تقنینی قانون‌گذار است که محل تامل و مذاقه جدیست! چرا که مقنن در مواد قبل (۱۱۵ و ۱۲۲) به جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ با ملاحظه و ارفاق برخورد می‌نماید و ضمن پذیرش نهاد توبه در این درجه‌ها، شروع به جرم را در این درجه‌ها قابل تصور ندانسته، اما بلافاصله در مواد بعدی (ماده ۱۲۷) معاونت در جرایم تعزیری را در کلیه درجه‌ها قابل تحقق دانسته است! در رویکرد اخیر، مقنن بین جرایم تعزیری درجه ۸ با درجه ۸ هیچ تفاوتی قایل نشده است، و چنین موضع‌گیری با عملکرد قبل تر مقنن هم خوانی و تطابق ندارد.

مقررات شکلی

با ملاحظه مقررات شکلی نیز امکان تشخیص جرایم به خرد و کلان و یا تشخیص ضابطه‌ای منطقی که بتوان از آن به تعریف مشترک و منطقی از جرایم خرد رسید نیز عملاً غیر ممکن است و علت این امر نیز برخورد دو گانه است که مقنن با درجات مختلف تعزیر در قانون آیین دادرسی کیفری نموده است؛ برای مثال؛ یکی از قواعدی که ملاحظه آن می‌تواند منجر به تشخیص جرایم خرد از کلان در قوانین شکلی گردد، ملاحظه مقررات مربوط به صلاحیت محاکم است؛ در بحث صلاحیت دادگاه‌ها موضوع مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ مقنن رسیدگی به جرایم تعزیری درجه ۳ به بالا را در صلاحیت دادگاه‌های کیفری ۱ دانسته است و سایر جرایم تعزیری در دادگاه کیفری ۲ مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، هماهنگونه که می‌دانیم علت طبقه‌بندی محاکم کیفری به ۲ و ۱ این است که جرایم سنگین تر در محاکم کیفری ۱ و با تعداد قضات بیشتر ودقت بالاتر و با تشریفات خاص تری مورد رسیدگی قرر بگیرد و در نهایت آرای این محاکم هم در شعب دیوان عالی کشور قابلیت رسیدگی فرجامی را دارد جایی که قضات آن دارای سابقه قضایی بالا و وسعت نظر و تجربه بیشتری هستند؛ فلذا این امر اهمیت و سنگین بودن جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ را نشان می‌دهد. پس ملاحظه می‌شود، که مقنن در مقام رسیدگی نیز جرایم سنگین تعزیری را صرفاً شامل جرایم درجه ۳ تا ۱ می‌داند و به نظر درجه ۴ تا ۸ را مشمول عنوان سنگین ندانسته که دادرسی آن را با دقت نظر بیشتری انجام دهد؛ و به همین خاطر است که رسیدگی به این جرایم را در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ قرار داده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مقنن نگاه واحد و مرز دقیقی بین جرایم سبک و سنگین به صورت واحد، در قلمرو تقنینی شکلی نیز در نظر نگرفته و ایجاد ننموده است، و با سرگشتگی و واخوردگی تمام گاهی ارفاق را شامل درجه ۸ و ۷ و گاهی شامل درجه ۶ تا ۸ و گاهی به نظر فقط جرایم تعزیری درجه ۸ را سبک و کم اهمیت دانسته است؛ لازم به ذکر است با توجه به اینکه یکی از اقسام مجازات، زیرمجموعه درجه ۶، حبس بیش از شش ماه تا دو سال است، با نگاهی منطقی نمی‌توان پذیرفت، جرمی که مجازات آن دو سال حبس است، در دسته جرایم خرد قرار دارد. و در جاییکه قانون گذار فقط در رسیدگی به جرایم درجه ۸ و ۷ دادگاه را مسئول انجام تحقیقات مقدماتی می‌داند، شایسته تقدیر است زیرا رسیدگی به جرایم درجه ۶ پیچیدگی‌هایی دارد که مناسب است رسیدگی به آن‌ها با دقت بیشتری انجام گیرد (Bahiraei & Elham, 2019). به عبارت دیگر دادرسی افتراقی ویژه جرایم خرد و مربوط به درجه‌های ۸ و ۷ است و در درجه ۶ به علت پیچیدگی بیشتر جرایم مشمول در این درجه، نیازمند آن است که تحقیقات مقدماتی مفصل تری را بدوا در دادرسی داشته و سپس مطرح رسیدگی در دادگاه قرار گیرد؛ بنابراین، استدلال برخی نویسندگان مبنی بر اینکه تعزیرات درجه ۶ به دلیل هم ردیف شدن با درجه‌های ۸ و ۷ در دسته جرایم خرد می‌باشد، مقرون به صحت نمی‌باشد و مورد قبول نویسنده نیست. مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری و در برخی مواد (از جمله مواد ۸۰-ت ۱ ماده ۲۴۷-۲۸۶-۳۴۰-۴۱۵) صرفاً استفاده از نهادهای ارفاقی و تخفیفی را در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ جایز دانسته است، که از مجموع مواد مورد اشاره چنین استنباط می‌گردد که مقنن به دلیل ماهیت خرد و کم اهمیت بودن این دو درجه گاهی آن‌ها را شامل نهادهای ارفاقی و تخفیفی و گاهی مشمول دادرسی افتراقی و بارویکرد تسریع در رسیدگی دانسته است؛ به گونه‌ای که سیاست اتخاذی مقنن در مقابله با این دو درجه به گونه‌ای است که سبک و خرد و کم اهمیت بودن آن‌ها را آشکارا نشان می‌دهد و طبیعتاً می‌بایست این رویکرد را به صورت واحد حفظ کرده و در سایر موارد هم مورد رعایت قرار دهد؛ در حالیکه برای مثال به شرح مواد (۸۱-۸۲-بند پ ماده ۱۸۰-ت ۲ ماده ۴۱۲- بند ب ماده ۶۱۸) استفاده از برخی ابزارهایی که ماهیت تخفیف و یا ارفاقی را دارا می‌باشند را در جرایم درجه ۶ تا ۸ جایز دانسته و به شرح مواد اخیر الذکر در جرایم درجه ۶ تا ۸ گاه عملکرد مقنن به گونه‌ای بوده که سه درجه اخیر را خرد و کم اهمیت و سبک تلقی نموده که مشمول اقدامات خاص و یا برخورد ویژه مربوط به سایر جرایم سنگین ندانسته است؛ که این امر خود درماندگی و عدم اتخاذ رویه منسجم را در برخورد با درجه‌های مختلف ۸ گانه تعزیرات به ذهن متبادر می‌سازد. نکته

جالب اینکه گاه‌ها عملکرد مقنن به قدری سرگردان است که بعضاً پا را از جرایم درجه ۶ فراتر می‌گذارد و جرایم درجه ۸ تا ۵ (مواد ۲۰۳ و ۲۳۷) و گاهی جرایم درجه ۴ تا ۸ (بند ماده ۳۰۲) را کم اهمیت و سبک به نظر معرفی می‌نماید! و این امر بازتاب سرگردانی مقنن در عدم اتخاذ رویه واحد در نظام تعزیرات به شرح قانون آیین دادرسی کیفری است.

نتیجه‌گیری

مساله تشخیص و طبقه‌بندی جرایم به خرد و کلان از اهمیت بالایی برخوردار است به گونه‌ای که با تشخیص آن امکان تعیین سیاست جنایی خاص و منحصر با هر دسته ممکن می‌گردد؛ لیکن در حقوق کیفری ایران ارائه تعریف جامع و مانعی از جرایم خرد به دلیل فقدان نظام طبقه‌بندی جرایم و مجازات‌ها همانند گذشته امری بسیار دشوار است؛ چرا که در گذشته مبنای طبقه‌بندی جرایم و مجازات‌ها شدت و ضعف مجازات بود، که حسب مورد عمل مجرمانه سنگین و یا سبک و خرد شمرده می‌شد؛ لیکن در حال حاضر به دلیل پذیرش نظام جرایم و مجازات‌ها به تبعیت از فقه (حدود، قصاص، دیات، تعزیرات) تعیین دقیق اخف و اشد بودن هر دسته از این مجازات‌ها در مقابل دیگری به دلیل کارکرد خاص و مجزا و منحصر هر دسته و ماهیت اجرا و اعمال آن امری دشوار و غیر ممکن است؛ از طرفی آنچه این دشواری را مضاعف می‌نماید، این است که بعضاً ممکن است، یک نوع خاص مجازات زیر مجموعه دو نوع مجازات اصلی قرار گرفته و شناسایی گردد؛ برای مثال شلاق، هم در دسته مجازات‌های تعزیری و هم در دسته مجازات‌های حدی قرار دارد و تعیین اینکه شلاق حدی اشد است یا شلاق تعزیری؟ امری دشوار و غیر ممکن است؛ و از طرفی بعضاً این امکان وجود ندارد که با صراحت بیان نمود که شلاق اشد است یا حبس و یا جزای نقدی، چرا که هر کدام از این سه نوع مجازات کارکرد مجزا و خاص خود را دارد و ماهیتاً با نوع دیگر متفاوت بوده و در یک دسته قرار نمی‌گیرد که بتوان آن را قیاس نمود؛ مثلاً شلاق در دسته مجازات‌های بدنی و حبس به عنوان یک کیفر سالب آزادی و جزای نقدی یک کیفر مالی می‌باشد؛ و به دلیل تفاوت نوع و ماهیت هر کدام، امکان سنجش آن نسبت به دیگری امری محال و غیر ممکن است و به نظر سنجش آن منطقی نمی‌باشد. فلذا این امر منجر گردیده که با ملاحظه مصادیق نیز نتوان به تعریف جامعی از جرایم به خرد و کلان دست یافت؛ نتیجتاً می‌بایست به مطالعه سیاست جنایی مقنن در قوانین ماهوی و شکلی پرداخت؛ و از این منظر به تعیین قلمرو جرایم خرد و کلان دست یافت؛ که حاصل مطالعات نشان گر دو سیاست کلی در قبال جرایم خرد در نظام‌های حقوقیست؛ عده‌ای از کشورها سیاست جنایی ارفاق آمیز و مداراگرایانه را در قبال جرایم خرد انتخاب نموده اند و برخی از کشورها نیز به سیاست تسامح صفر و رویکرد سخت گیرانه گرایش دارند؛ در کشور ما ایران نیز حسب ظاهر با عنایت به اینکه نهادهای ارفاق آمیز و تدابیر اصلاحی و درمانی در غالب تاسیسات جدید در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری شناسایی گردیده است، به نظر مقنن سیاست جنایی مداراگرایانه را پذیرفته است؛ با عنایت به تعاریف ارائه شده از جرایم خرد، منطقاً و به نظر جرمی که دارای حبس کوتاه مدت و جزای نقدی اندک است جرم خرد می‌باشد، لیکن چند نکته محل تامل است و آن این است که اولاً در شناسایی جرایم خرد به علت کارکرد خاص نظام حدود و قصاص و دیات صرفاً مجازات تعزیرجامع هدف ما می‌باشند و ثانیاً با عنایت به تقسیم‌بندی تعزیرات به ۸ درجه در قانون مجازات اسلامی به نظر تعزیرات درجه ۷ و ۸ صرفاً با قلمرو و تعریف جرایم خرد هم خوانی دارد. لیکن متأسفانه مقنن در مقابله با درجات مختلف تعزیر نیز عملکرد یکسان و واحدی را نداشته است؛ از طرفی در راستای سیاست جنایی افتراقی سعی در افتراقی سازی دادرسی جرایم خرد و کم اهمیت با هدف حذف تشریفات دادرسی و تسریع در رسیدگی را هدف قرار داده و از طرفی ارفاق و سیاست مداراگرایانه و تدابیر اصلاحی و درمانی را مطمح نظر قرار داده است؛ لیکن محل تعجب و مذاقه اینجاست که این دو سیاست را در درجات مختلف تعزیرات به صورت سرگردان و متناقض بعضاً اعمال

نموده است، به گونه‌ای که استیصال و واخوردگی مقنن در عدم اتخاذ سیاست واحد و رفتار واحد در قبال جرایم خرد را به ذهن متبادر می‌سازد؛ به عبارتی با عملکرد سرگشته مقنن، این سوال همیشه در اذهان باقی می‌ماند که بالاخره کدام درجه از جرایم تعزیری از نظر مقنن خرد و کم اهمیت محسوب می‌گردد؟! فی المثل گاهی اعمال تدابیر ارفاقی و نهادهای تخفیفی را صرفاً در جرایم درجه ۸ و ۷ جایز دانسته و گاهی در جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ و گاهی صرفاً در جرایم تعزیری درجه ۸ و... بنابراین عملکرد حیران و مستاصل قانون گذار منجر گردیده که به قطع و با ملاحظه سیاست جنایی اتخاذی نیز نتوان به تعیین مرز دقیق جرایم خرد و کلان دست پیدا کرد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

One of the key challenges in the Iranian legal system is the conceptual and definitional ambiguity surrounding petty crimes. Unlike legal systems such as England's, where a clear and functional classification between summary and indictable offenses exists, the Iranian substantive and procedural laws lack any coherent taxonomy to distinguish petty crimes from serious ones. This absence has produced considerable difficulties, both theoretically and practically, in shaping effective criminal policy. The roots of this issue lie in the adoption of a jurisprudential classification of crimes based on Islamic categories—Hudud, Qisas, Diyat, and Ta'zirat—each with distinct legal logics and punitive functions. This classification is theological rather than penal in structure and impedes a consistent scale of severity for penal offenses. Furthermore, the Iranian legislator has demonstrated inconsistency and confusion, often shifting between policies without clear standards. In contrast, the English criminal justice system, through the establishment of peace courts and the division of offenses into summary, either-way, and indictable offenses, provides a much more operational framework for legal processing and policy application (Mohammadnasel, 2015). While Iranian reforms, such as the creation of dispute resolution councils, gesture toward modernizing procedures and alleviating the judiciary's caseload, they are still rooted in a context lacking conceptual clarity and legal consistency.

The complexity of identifying petty crimes in Iran is exacerbated by inconsistencies within both the substance of criminal law and its procedural apparatus. In England, for example, the existence of peace courts and summary proceedings eliminates ambiguity, allowing prosecutors discretion not to pursue cases of minor offenses (Tavili, 2023). In contrast, Iran's law lacks the mechanisms to distinguish clearly between degrees of criminality. While terms such as *minor offense* or *petty offense* exist in Iranian legal discourse—often translated from English sources—they do not benefit from legislative clarity. Some scholars argue that petty crimes are deterrent measures aimed at preventing more serious offenses (Esfandiari & Noorpour, 2017). However, this criminological view does not resolve the legal-systemic ambiguity. Additionally, the definition of petty crimes often relies on indirect indicators such as short prison terms, minimal fines, and their prevalence in urban life, particularly in large cities (Norouzi & Javanmard, 2009). Procedurally, petty crimes are supposed to

be adjudicated through expedited processes with reduced formalities to avoid judicial backlog (Bahiraei & Elham, 2019). Yet even these procedural shortcuts lack uniform application due to contradictions in how degrees of crimes—particularly in Ta'zirat—are interpreted and enforced. Without a stable definitional framework, Iranian criminal law struggles to implement a rational criminal policy for petty offenses.

The classification of crimes based on severity was much more coherent in pre-revolutionary Iranian legal codes. Laws such as the Penal Code of 1926 and the General Penal Code of 1952 clearly delineated crimes into categories like felonies, misdemeanors, and infractions, allowing judges and policymakers to scale punishments logically. However, post-1979 revolutionary transformations replaced this structure with a jurisprudential system rooted in Islamic penal law, dividing crimes into Hudud, Qisas, Diyat, and Ta'zirat. These categories do not allow for horizontal comparison in terms of punitive severity, as each category is based on its own theological rationale and purpose. For example, a lashing punishment may occur both as a Hudud and a Ta'zirat penalty, but its context, severity, and symbolic meaning differ. This has caused a collapse in the logical framework necessary to classify crimes by magnitude or social impact. In addition, the legislator's inconsistent approach in assigning new forms of punishment, such as deterrent penalties or substitute sentences, further destabilizes the already fragile structure. While the 2013 Penal Code attempted to reintroduce order by categorizing Ta'zirat punishments into eight degrees, the effort remains undermined by the failure to link these degrees consistently to legislative policies or penal practices (Norouzi, 2005a).

Compounding this confusion are inconsistent policies and legislative contradictions. For instance, in some articles of the Penal Code, petty Ta'zirat crimes are recognized as being of a lesser nature and therefore qualify for legal leniency, such as deferred sentencing or suspension of punishment. However, in other statutes, the same degrees are excluded from such benefits or are lumped together with more serious crimes for purposes of sentencing or procedural requirements. For example, Article 39 allows exemption from punishment only for degrees seven and eight, while Article 65 mandates the substitution of jail time for alternative penalties solely for offenses with a maximum sentence of three months. In other provisions, such as Article 40 and Article 46, even degree six offenses are inconsistently treated, sometimes qualifying for leniency and at other times not. Moreover, changes introduced through laws such as the 2020 Reduction of Ta'zirat Prison Sentences Act have further complicated matters. The deletion of degree-specific language in provisions governing supplementary punishments, for example, allows judges to impose them across all degrees, effectively eroding any meaningful distinction between petty and major crimes. This contradictory legislation reflects a broader confusion about the objectives of penal policy—whether to be punitive, rehabilitative, or deterrent—and undermines the consistent application of legal principles.

In the realm of procedural law, similar inconsistencies abound. Ideally, procedural mechanisms should reflect and reinforce the substantive classification of crimes, particularly in terms of court jurisdiction, evidence requirements, and rights of the accused. However, Iranian criminal procedure does not uphold this alignment. For example, Article 301 of the Criminal Procedure Code delegates cases involving degrees one to three to Criminal Court One, indicating their serious nature, while relegating other degrees to Criminal Court Two. This implies that degrees four through eight are less serious, yet this interpretation is not upheld uniformly across the code. In some instances, degrees six to eight are treated as minor and assigned simplified procedures; in others, they are bundled with more serious crimes in terms of required documentation or appealability. Even the newly established "Peace Courts," created under the 2023 Dispute Resolution Councils Act and inspired by English

summary courts, are tasked with hearing degree seven and eight crimes without a clear basis in codified definitions or consistent application. The ad hoc and contradictory manner in which laws treat the same degrees—sometimes as minor, sometimes not—illustrates a policy vacuum and legislative disarray that prevents the effective administration of justice (Bahiraei & Elham, 2019; Norouzi, 2005b).

Comparative analysis reveals that the English criminal system handles the classification and treatment of petty crimes with significantly greater consistency and effectiveness. Summary offenses, either-way offenses, and indictable offenses are each processed differently, with clear procedural and jurisdictional implications. Summary offenses are typically handled in Magistrates' Courts, often without a jury and with the option for alternative measures like cautions or fines. This classification not only provides a reliable guide for judicial procedure but also signals to society the relative gravity of different offenses. Prosecutorial discretion plays a vital role in filtering cases to prevent court congestion, especially for minor infractions (Mehra & Zarghami, 2014). Additionally, the principle of proportionality governs both sentencing and the criminalization of behavior, ensuring that the response to an offense is commensurate with its harm. This stands in stark contrast to Iran's fragmented and often contradictory penal policy. By failing to define petty crimes clearly and treat them accordingly across both substantive and procedural codes, Iranian law places an undue burden on the judiciary, undermines public trust in the justice system, and blurs the lines of legal accountability. A shift toward a more principled, structured, and transparent approach—potentially informed by international best practices—could greatly enhance the effectiveness of Iran's criminal justice system.

In conclusion, the absence of a coherent framework for defining and addressing petty crimes within Iran's penal system represents not merely a technical gap but a foundational shortcoming in criminal policy. The fragmented classification of offenses, inconsistent application of leniency and procedural rules, and the failure to provide a logically structured taxonomy all point to a deeper legislative confusion. While attempts have been made to alleviate judicial burden through institutional reforms such as Peace Courts, these efforts are often disconnected from a broader strategy and do not compensate for the underlying conceptual vacuum. Compared to the English system, which uses clear distinctions to guide legal process and policy implementation, Iran's system remains mired in ambiguity, contradiction, and operational inefficiency. A comprehensive reevaluation of the current legislative structure—anchored in the principles of clarity, proportionality, and efficiency—is urgently needed to address the conceptual, procedural, and policy-level crises associated with petty crimes in Iran.

References

- Akhoundi, M. (2000). Judiciary's Attitude to Minor Crimes. *Justice Legal Journal*(39).
- Bahiraei, A. H., & Elham, G. H. (2019). Proceedings without indictment in Iranian and English law. *Comparative Law Research Journal*, 4(2).
- Esfandiari, M. S., & Noorpour, M. (2017). Consequences and Challenges of Criminal Tolerance in Minor Crimes. *Detective Magazine*, 9(36).
- Heydari, A. M. (2015). Challenges of the Islamic Penal Code's lenient penal policy against minor crimes. *Islamic Law*, 12(45).
- Javanmard, B. (2014). *Zero Tolerance: Strict Penal Policy Against Minor Crimes*. Mizan.
- Mehra, N., & Zarghami, F. (2014). Principles of Trial Without Indictment in the Legal Systems of Iran and England. *Comparative Law Research*, 18(2).
- Mohammadnasel, G. (2015). The Nature of Minor Crimes. *Shak Magazine*, 21(6107).
- Norouzi, N. (2005a). *Criminal Policy in Petty Crimes and Its Impact on Citizens' Sense of Security Based on the Broken Windows Theory* University of Tehran]. Tehran.

- Norouzi, N. (2005b). Petty Crimes Against Public Order (Strategies and Solutions). *Journal of Law and Political Science, University of Tehran*(68).
- Norouzi, N., & Javanmard, B. (2009). A study of petty crimes in Iranian criminal law. *Justice Legal Journal*, 73(67).
- Tavili, M. (2023). *The principle of the necessity of criminal prosecution in Iranian and English law*. Hoqouq Yar.